
مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی

بهمن شریفی، گونای امان محمدی

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی بود. رویکرد پژوهش، کیفی و بر مبنای نظریه برخاسته از داده بود. مشارکت کنندگان در این مطالعه ۲۰ نفر از خبرگان و صاحب نظران نظام تعلیم و تربیت بودند. مشارکت کنندگان به شیوه نمونه گیری هدفمند و با روش گلوله برفی تا مرز اشباع نظری انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته و از روش مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین گردآوری شدند. برای دستیابی به روایی از چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان و برای تعیین پایایی، از راهبرد تأیید همکاران پژوهشی استفاده شد. روش تحلیل داده ها، تحلیل محتوای استقرایی با بهره گیری از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و انتخابی بود. پس از بررسی و کدگذاری سه مرحله ای مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی در قالب مدل پارادایمی تدوین شد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، سبک زندگی، مدل پارادایمی

مقدمه:

سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل ها و الگوهای کنش های هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد. فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به همراه می آورد (صادقی ده چشمه و شریعت، ۱۳۹۴).

بی تردید آموزش و پرورش یکی از موثرترین و نزدیک ترین راه ها برای اشاعه ارزش های اسلامی و تزریق آن به دنیای کودکان، نوجوانان و جوانان می باشد. از این رو نقش فوق العاده موثری در شکل گیری شخصیت و ترسیم آینده ی سبک زندگی ایرانی - اسلامی آنان دارد اگر بخواهیم به سبک زیبایی از زندگی دست یابیم باید در این نهاد پایه هایش ریخته شود (باباییان، ۱۳۹۵).

با تعلیم و تربیت صحیح است که استعداد های انسان شکوفا شده و انسان با سبک و فرهنگ اسلامی آشنا می شود و طبعاً در زندگی فردی و اجتماعی از این فرهنگ تاثیر می پذیرد. البته این شکوفایی، آشنایی و تاثیر پذیری، مشروط به این است که تعلیم و تربیت مطابق با مبانی کتاب و سنت و عقل باشد، معلم و مربی شایستگی لازم برای تعلیم و تربیت و شناساندن متعلم به خودش را، آنچنان که هست و آنچنان که باید باشد، داشته باشد و آموزش قرآن، تقویت ایمان به اصول دین و احکام و اخلاق در شاگردان، از اولویت های برنامه آموزش و پرورش باشد. در این صورت است که نقش تعلیم و تربیت بر چگونه شدن انسان و نهایتاً در زندگی با سبک اسلامی، ثابت می شود (حیدری، ۱۳۹۷).

استلزامات «رابطه انسان با خدا» را می توان در سه حوزه عقلی، عاطفی و عملی دسته بندی کرد. استلزامات عقلی با سه مضمون اصلی توحیدمحوری، معادمحوری و ولایت محوری، استلزامات عاطفی با دو مضمون اصلی حب و بغض، و استلزامات عملی با دو مضمون اصلی اعمال عبادی و اعمال اخلاقی برشماری شد. از این رو نظام آموزش و پرورش با ایجاد معرفت بخشی به دانش آموزان از طریق استلزامات سه گانه (شناختی، عاطفی و عملی) می تواند در زمینه استقرار سبک زندگی اسلامی در دانش آموزان نقش آفرین باشد (صمدی، ۱۴۰۰). لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی، چگونه است؟

هدف

ارائه مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی.

سوال

مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی کدام است؟

پیشینه پژوهش

افشاری و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان " جایگاه آموزش و پرورش در سبک زندگی ایرانی اسلامی " بیان کردند که آموزش اصول صحیح زندگی ایرانی اسلامی در مدارس، طراحی برنامه های رشد و پرورش نوجوان و جوان در راستای

این فرهنگ، اختصاص دروسی تحت عنوان سبک زندگی از منظر ائمه معصومین (ع)، نقد و بررسی سبک های مناسب زندگی در ایران باستان، از جمله راهکارهایی برای بهبود سبک زندگی می باشند.

اکبری طاهری (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان "شناخت و مطالعه ای بر سبک زندگی اسلامی ایرانی و تحلیلی بر نقش مدرسه در تبیین و ترویج آن" بیان کرد، با تبدیل مدرسه به شکل ساده ای از جامعه ی اسلامی- ایرانی مروج ارزش های ملی و دینی، که در قالب آن فراگیران، رفتارها و الگوهای اسلامی و ایرانی را تجربه کنند و با آموزش هنجارها و ارزش های اسلامی و ایرانی در قالب حوزه های یادگیری، راهبردهای آموزشی و ارزشیابی و فعالیت های فوق برنامه؛ تامین مواد، تجهیزات و رسانه ها و بکارگیری آن ها در انتقال مستقیم و غیرمستقیم ارزش های مذکور؛ معماری فضاهای فیزیکی منطبق با معیارها و فرهنگ اسلامی- ایرانی؛ حاکمیت الگوهای رفتاری برگرفته از آموزه های دین مبین اسلام و سنن ایرانی بر روابط اجتماعی درون مدرسه و تقید اولیای مدرسه به این ارزشها؛ برگزاری مراسمات ملی و دینی؛ ارائه بسته های فرهنگی و آموزش های خانواده؛ سبک زندگی اسلامی- ایرانی را به بهترین نحو به فراگیران شناساند و در وجود آن ها نهادینه کرد.

رحمتی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "نقش خانواده و مدرسه در تعلیم و تربیت فرزندان برپایه سبک زندگی اسلامی و ایرانی در بیانیه گام دوم انقلاب" به نتایجی دست یافت که نشان می داد، خانواده و مدرسه باتعامل یکدیگر به عنوان تاثیر گذارترین محیط هایی که می توانند، سبک زندگی اسلامی و ایرانی را در درون افراد نهادینه کنند، باید مورد توجه قرار بگیرند. اجرای برنامه هایی برای آگاه سازی اولیا و معلمان در رابطه با آموزش سبک زندگی اسلامی و ایرانی می تواند جزو برنامه های مفید در این زمینه واقع شود.

روش تحقیق

رویکرد پژوهش، کیفی و بر مبنای نظریه برخاسته از داده بود. مشارکت کنندگان در این مطالعه ۲۰ نفر از خبرگان و صاحب نظران نظام تعلیم و تربیت بودند. برای نمونه گیری افراد مورد مشاهده در پژوهش های کیفی، به جای نمونه گیری احتمالی از راهبردهای نمونه گیری قصدی یا نمونه گیری هدفمند استفاده می شود (بازرگان، ۱۳۹۴).

مشارکت کنندگان به شیوه نمونه گیری هدفمند و با روش گلوله برفی تا مرز اشباع نظری انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده های پژوهش به شیوه مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته و از روش مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین جمع آوری شدند. مدت زمان انجام مصاحبه ۶۰ دقیقه بود و زمانی که داده ها در مصاحبه روند تکراری پیدا کردند، فرایند جمع آوری داده ها پایان یافت.

مرحله اشباع داده ها از مصاحبه ۱۸ به بعد احساس شد، ولی برای اطمینان بیشتر از اشباع داده ها تا شرکت کننده ۲۰ مصاحبه ها ادامه یافت. در مصاحبه ۲۰ اطمینان حاصل شد که داده ها تکراری بوده و انجام مصاحبه ها در این مرحله متوقف شد.

سوالات بصورت ساده و شفاف بیان می شد و در صورت لزوم با گنجاندن توضیحاتی، منظور و هدف پژوهشگر از طرح این سوال به اطلاع مصاحبه شوندگان می رسید تا از تداخل با سایر موضوعات مشابه که مورد نظر پژوهشگر نبود، جلوگیری شود.

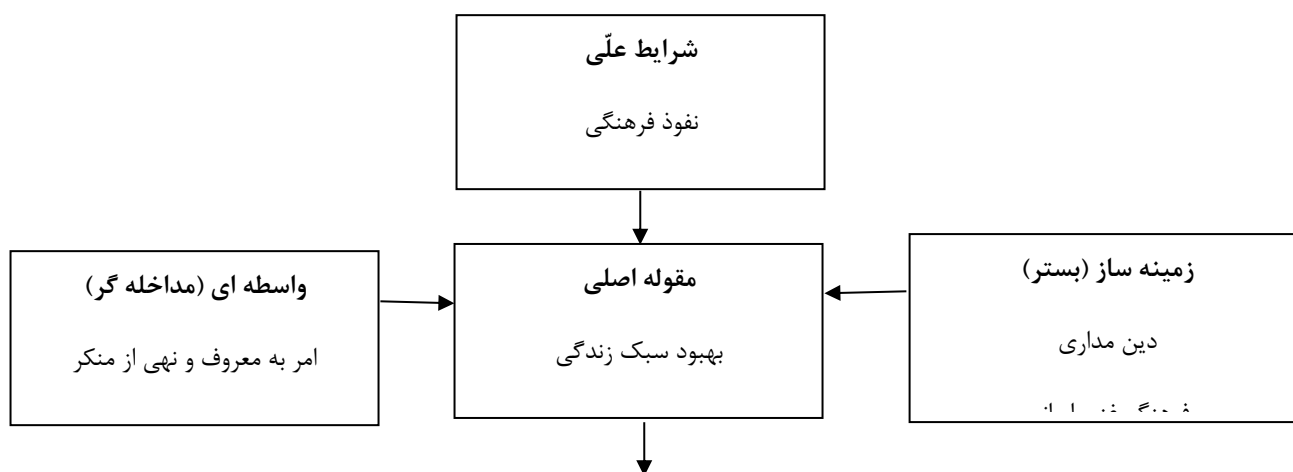
همراه با جمع آوری داده های کیفی از طریق مصاحبه های انفرادی، بر رعایت جنبه های اخلاقی پژوهش از جمله کسب رضایت افراد مصاحبه شونده، اجتناب از هرگونه سوء اثر بر شرکت کنندگان، ناشناخته ماندن نام و نشان افراد و اصل محرمانه بودن داده ها و اطلاعات توجه شد. برای کدگذاری، طبقه بندی و تلخیص داده های جمع آوری شده، از فن تحلیل محتوا استفاده شده و داده ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شدند.

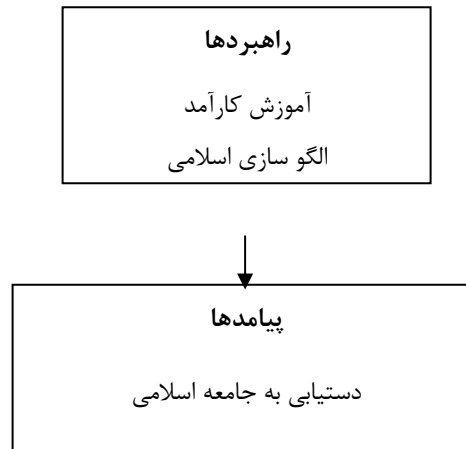
مساله مبنایی در سنجش روایی پژوهش کیفی، چگونگی مشخص کردن پیوند روابطی است که پژوهشگر درباره آن ها مطالعه و آن ها را تفسیر کرده است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش برای بررسی درستی یافته ها از روش چک کردن از سوی شرکت کنندگان استفاده شد. برای این کار نتایج حاصل از تحلیل داده ها در اختیار شماری از شرکت کنندگان قرار گرفت تا درباره یافته ها نظرات خود را بیان کنند. در ادامه برای تعیین پایایی، از راهبرد تایید همکاران پژوهشی استفاده شد. این کار با مقایسه نتایج حاصل از تحلیل همکاران پژوهشی و توافق در مورد کدهای تعیین شده صورت گرفت.

یافته ها

- پس از جمع آوری، تنظیم و سازماندهی داده ها، فرایند پیچیده بیرون کشیدن معنا از داده ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی آغاز شد. با بررسی ۳۶۵ کد باز، ۱۳ کد انتخابی در ۶ مقوله اصلی طبقه بندی شد.
۱. شرایط علی: پس از تحلیل داده های جمع آوری شده، نفوذ فرهنگی و آموزش ناکارآمد به عنوان مولفه های شرایط علی مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تعیین شد.
 ۲. عوامل زمینه ساز: شرایطی هستند که اتخاذ راهبردها را تسهیل یا محدود می کنند. بر اساس داده های به دست آمده مولفه های دین مداری و فرهنگ غنی ایرانی به عنوان عوامل زمینه ساز مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تعیین شد.
 ۳. هسته مرکزی: با بررسی کدهای باز حاصل از تحلیل داده ها، دو کد بهبود سبک زندگی و مقابله با تهاجم فرهنگی به عنوان مقوله اصلی هسته مرکزی مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تعیین شد.
 ۴. شرایط واسطه ای: بر اساس نظر شرکت کنندگان در مصاحبه، امر به معروف و نهی از منکر و ویژگی های نسل های جدید به عنوان مولفه های زمینه ساز دستیابی به مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تعیین شد.
 ۵. راهبردها: راهبردها برای دستیابی به مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی

اسلامی-ایرانی، شامل آموزش کارآمد؛ الگو سازی اسلامی و بازخورد مناسب تعیین شد.
۶. پیامدها: بر اساس نظر شرکت کنندگان در مصاحبه، پیامدها شامل دستیابی به جامعه اسلامی و حیات طیبه، کدگذاری شدند، که در شکل ۱ آمده است.





شکل ۱: مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، راهبردهای تعیین شده برای دستیابی به مدل پارادایمی ارتقای نقش آموزش و پرورش در بهبود سبک زندگی اسلامی-ایرانی، شامل آموزش کارآمد؛ الگو سازی اسلامی و بازخورد مناسب تعیین شد.

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش با یافته های افشاری و همکاران (۱۴۰۲)، اکبری طاهری (۱۴۰۲) و رحمتی (۱۴۰۰)، مطابقت داشت.

منابع

- ۱- افشاری، نیره و افشاری، نجمه و بهرامیان، طاهره و بهرامیان، راضیه (۱۴۰۲)، جایگاه آموزش و پرورش در سبک زندگی ایرانی اسلامی، ششمین کنگره ملی آنالیز داده ها در علوم انسانی، تهران.
- ۲- اکبری طاهری، زهرا (۱۴۰۲)، شناخت و مطالعه ای بر سبک زندگی اسلامی ایرانی و تحلیلی بر نقش مدرسه در تبیین و ترویج آن، شانزدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.
- ۳- باباییان، داریوش (۱۳۹۵)، نقش و تاثیر آموزش و پرورش در تحقق سبک زندگی ایرانی اسلامی، همایش سراسری علمی-پژوهشی سبک زندگی، تایباد.
- ۴- بازرگان هرندی، عباس، (۱۳۹۴)، مقدمه ای بر روش تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: دیدار.
- ۵- حیدری، علی جمعه (۱۳۹۷)، نقش تعلیم و تربیت در سبک زندگی اسلامی، نورالمصطفی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۶، صص ۸۰-۵۴.
- ۶- رحمتی، مریم (۱۴۰۰)، نقش خانواده و مدرسه در تعلیم و تربیت فرزندان برپایه سبک زندگی اسلامی و ایرانی در بیانیه گام دوم انقلاب، نخستین همایش عدالت و تحول در آموزش و پرورش، زنجان.
- ۷- رضوی، سید مصطفی؛ اکبری، مرتضی؛ جعفرزاده، مرتضی و زالی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، بازکاوی روش تحقیق آمیخته، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- صادقی ده چشمه، ستار و شریعت، سعیده (۱۳۹۴)، سبک زندگی ایرانی اسلامی، اولین کنفرانس پدافند غیرعامل در علوم انسانی، علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت و توسعه پایدار، قم.
- ۹- صمدی، معصومه (۱۴۰۰)، استلزامات سبک زندگی اسلامی با تمرکز بر رابطه انسان با خدا در اسناد تحولی آموزش و پرورش، اسلام و پژوهش های تربیتی، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵، صص ۴۰-۲۵.